

# تاملی بر روش نگارش تذکره‌های فارسی؛ نمونه مطالعاتی: تاریخ تذکره‌های فارسی

فاطمه آقانوری

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

Aghanouri135@gmail.com

چکیده

تذکره‌های فارسی پشتوانه محتوایی و مهمی برای کتاب‌های تاریخ ادبیات به شمار می‌آید و همواره بخشی از داده‌های تاریخ ادبیاتی از اطلاعات تذکره‌ها استخراج می‌شود. محتوای تذکره‌های فارسی در تاریخ ادبیات‌های فارسی رسوخ یافته اما متأسفانه ساختار تاریخ ادبیات‌های فارسی از تذکره‌های فارسی کمتر تأثیر پذیرفته است. شاید بتوان یکی از دلایل آن را تمرکز بر الگوهای غربی تاریخ ادبیات نویسی بدون لحاظ ظرفیت‌های فکری، فرهنگی و روش شناختی ادبیات فارسی دانست. تحلیل روش نگارش تاریخ تذکره‌های فارسی نشان می‌دهد گلچین معانی یک پله بالاتر از تذکره‌نویسان پیشین است. او در گزارش تراجم و احوال شاعران مولفه‌های تازه‌ای را لحاظ کرده که می‌تواند به تدوین نظریه تاریخ ادبیات نویسی مبتنی بر اصول بومی کمک کند. در این مقاله، پس از استخراج مواضع انتقادی گلچین معانی در دو مجلد، شیوه نگارش تاریخ تذکره‌های فارسی بررسی شده است؛ مواضع انتقادی گلچین معانی از ابعاد مختلف تحلیل شده و با تکیه بر آن، این پیشنهادها برای طرح نظریه تاریخ ادبیات نویسی در شکل بومی آن ارائه شده است: اهتمام و تمرکز بیشتر در ارائه نقد به شکل علمی و مستدل؛ بررسی متمرکزتر و محدودتر آثار مکتوب و نگارش تاریخ آثار ادبی؛ اهتمام بیشتر بر زدودن ابهام و گمراهی در شیوه بیان مباحث که کثرت تقسیم بندی‌ها یکی از عوامل آن است؛ تحدید و تخصصی‌تر شدن حوزه مطالعات تاریخ ادبی به منظور بررسی ویژگی‌های شاخص آثار با قوت بیشتر؛ تمرکز کردن بر اشتباهات پژوهش‌ها و رفع نواقص آنها و دادن پیشنهادهایی برای ممانعت از بروز خطا در داورها، انتقادها، تحلیل‌ها و طرح مباحث.

دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹  
کلیدواژه‌ها: تذکره، تاریخ تذکره‌های فارسی، احمد گلچین معانی، تاریخ ادبیات.

www.anjomanfarsi.ir

## ۱. مقدمه

روش از ارکان مهم هر علم به شمار می‌رود و از دیرباز در کانون توجه متفکران قرار داشته است. برای مثال یکی از محورهای اساسی برای تقسیم بندی علوم روش هر علمی بوده است. پس از ارسطو، ابن سینا، خوارزمی و دیگران، از اوایل قرن هجدهم طبقه بندی و تفکیک علوم از یکدیگر از سر گرفته شد و در قرن نوزدهم با وقفه‌ای نسبتاً طولانی دسته‌بندی علوم و شاخه‌های آن به یکی از جدی‌ترین مسائل معرفت بشری تبدیل شد.<sup>۱</sup> در دوره معاصر اهمیت این موضوع تا جایی است که روش‌شناسی به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم علمی به شمار می‌رود.

به رغم اهمیت روش و روش‌شناسی در پیشبرد اهداف هر علم در رشته زبان و ادبیات فارسی بدین موضوع توجه چندانی نشده است. با توجه به اینکه روش‌شناسی در شکل جدید و دانشگاهی خود از کشورهای غربی برخاسته و منطبق بر علوم و فرهنگ آنان شکل گرفته و بالیده است ضروری است با ضروریات و اقتضات فرهنگی ایران اسلامی بویژه زبان و ادبیات فارسی سازگار شود. یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای تحقق این هدف تحلیل و تبیین مبانی بومی روش و روش‌شناسی است. برای تبیین این مبانی ضروری است دو کار صورت پذیرد:

۱. روش پژوهش‌های مهمی که به دست محققان بومی انجام شده استخراج شود.

۲. آرا و دیدگاه‌های متفکران ایران اسلامی در باب روش‌شناسی شرح و تبیین گردد.

پژوهش حاضر می‌کوشد تا با مطالعه موردی و تحلیل روش تحقیق و تألیف «تاریخ تذکره‌های فارسی» هدف نخست را محقق کرده و با استخراج شواهدی از منابع فارسی، معیارها و اصولی بومی را برای نگارش تاریخ ادبیات مطرح کند.

## ۲. ضرورت تحقیق

در بیان ضرورت پرداختن به تحلیل روش نگارش تاریخ تذکره‌های فارسی توان به این نکات اشاره کرد:

۱. تقویت نگرش تحلیلی و پویایی در حوزه تاریخ ادبیات نویسی؛
۲. ممانعت از فراموشی دستاوردهای علمی، ادبی و روش‌شناختی ادیبان و محققان ایرانی با احیای نظرات آنها؛
۳. تقویت کمی و کیفی نظریه‌پردازی مبتنی بر مبانی بومی؛
۴. هم‌خوانی پژوهش‌های علمی با اقتضائات فکری و فرهنگی ایران اسلامی؛
۵. تقویت استقلال فکری و فرهنگی.
۶. رونق بیشتر تاریخ ادبیات‌نگاری با استقبال پژوهشگران از نظریات بومی.

کتاب مذکور که توسط احمد گلچین معانی در سال ۱۳۴۷ تألیف شده است، تنها کتاب موجود در زبان فارسی در زمینه تاریخ تذکره‌های فارسی است و به همین دلیل اهمیت زیادی دارد. افزون بر آن، نگاه محققانه، تحقیق روشمند و نتایج ارزشمند و موثر موجب شده است که اهمیت این اثر دوچندان گردد.

بنا بر آنچه گفته شد ضروری می‌نماید روش پژوهش در کتاب مذکور به دقت تبیین و تحلیل شود تا راه را برای پژوهش‌های دیگر در زمینه تاریخ نگاری تذکره‌های فارسی هموار شود و هم‌چنین ویژگی‌های یک روش تحقیق بومی در زبان و ادبیات فارسی شرح و تبیین گردد.

## ۳. تذکره

تذکره نویسی یکی از انواع تاریخ نگاری به شمار می‌رود و تذکره‌ها را می‌توان مهم‌ترین منابع موجود در باب شاعران، نویسندگان و آثار آنها دانست. علاوه بر این، بخشی اعظم و بسیار مهم از داده‌های لازم برای تبیین و تدوین تاریخ ادبیات از تذکره‌ها به حاصل می‌آید. گرچه برخی، مطالب تذکره را منحصر در احوال شعرا می‌دانند اما مفهوم تذکره بسیار وسیع‌تر است: تذکره‌ها دربردارنده شرح احوال یا آثار نویسندگان، شاعران و طبقات مختلف جامعه از پادشاهان و ملوک گرفته تا عارفان و زاهدان و... هستند.

جنگ‌ها و سفینه‌های شعری را نیز اگر افزون بر گزیده اشعار در باب ترجمه احوال شاعران نیز مطالبی داشته باشند می‌توان در زمره تذکره‌ها به شمار آورد. شماری از تذکره‌ها گزارش‌هایی را از ادیبان و آثار ادبی در خود جای داده‌اند؛ نظر به این چيستی تذکره‌های ادبی، تذکره‌ها برآمده از فضای ادبی و فضای اجتماعی عصر خود اند و رویی در تاریخ و رویی در ادبیات دارند. بر این مبنا عوامل موثر در پیدایش تذکره‌ها چنین است:

۱. فضای ادبی: این فضا ناظر به فضای فکری حاکم بر جامعه ادبی هر دوره است که سنت‌ها، پسندها و ناپسندها، موضوعات، مضمون‌ها، قالب‌ها و دیگر مؤلفه‌های آثار ادبی را تعیین می‌کند. تذکره‌نویس نیز تحت‌تأثیر همین فضای حاکم و آثاری که در دل آن پدید می‌آید، اثر خویش را تألیف می‌کند.

۲. فضای اجتماعی: این فضا ناظر به فضای فکری کل جامعه بوده و تحت تأثیر حوادث تاریخی اجتماعی است. معمولا فضای ادبی از فضای اجتماعی تأثیر می‌گیرد و تأثیر می‌پذیرد و تذکره‌نویس نیز ناگزیر از این دو فضا است. برای مثال یکی از این تأثیرات را تعیین سطح توقعات مخاطب در چرخه عرضه و تقاضای ادبی دانسته‌اند (شفیعیون، ۱۳۹۳: ۱۲). هرچند موضوعات بیشتری را می‌توان بر این مطلب افزود ولی به هر ترتیب ارتباط دو سویه این دو فضا آشکار است.

تأثیر فضای ادبی بر تذکره نویسی در چند محور دیده می‌شود:

الف) انتخاب دوره‌های تاریخی: برخی تراجم فقط شرح احوال معاصران را دربردارند مانند: تذکره دیده، تذکره راهب، تذکره قطب‌شاهی؛ تذکره‌م‌صور، راحه القلوب، او صاف البلاد، یاد شاهنامه، آیین اکبری، تاریخ ابراهیمی، تاریخ سند، خلاصه الاخبار فی بیان احوال الاخیار.

و برخی ترجمه‌گذشتگان را نیز در خود دارند مانند: تذکره خسروی، تذکره الشعراء، تذکره امرویه، مرآت الخیال، مجاس العشاق، مجمع الفضلا، رساله برهمن، عرفات العاشقین و عرصات العارفین، لب الالباب، کلمات الشعراء، کعبه عرفان، خلاصه الأشعار «منتخب»، طبقات اکبری، مآثر رحیمی، خیرالبیان، خلاصه التواریخ، منتخب التواریخ، تاریخ راقم، جامع مفیدی.

در دسته دوم بعضی از تذکره‌ها زندگانی و آثار ادیبان را از ابتدای شکل‌گیری ادب فارسی ذکر کرده اند و تعدادی نیز در باب دوره‌های ابتدایی مطلبی نیاورده اند.

به هر حال آنجا که تذکره نویس مخیر است در انتخاب ادوار ادبی برای نگاشتن تذکره، فضای ادبی حاکم تعیین می‌کند که او چه دوره یا دوره‌هایی را انتخاب کند.

ب) انتخاب آثار ادبی و تراجم ادبا: فضای ادبی هر دوره در اینکه کدام یک از آثار ادبی و تراجم ادبا در تذکره‌ها ذکر شود، نقشی تعیین‌کننده دارد.

ج) نقد و تحلیل آثار و اشعار: در برخی تذکره‌ها افزون بر ذکر شرح احوال و بیان اشعار و آثار، نقد و تحلیلی نیز در باب اشعار و آثار ارائه می‌شود (امامی، ۱۳۸۸: ۲). به طور مثال در تذکره‌های آتشکده، تذکره الشعراء و تاریخ تذکره‌های فارسی چنین است. این تحلیل‌ها یا نقدها به طور مستقیم نمایانگر فضای فکری حاکم بر جامعه ادبی روزگار تذکره نویس است. البته در تذکره‌ها چنین موضوعاتی یعنی نقد و تحلیل، کمتر به چشم می‌خورد (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۹۵) به دلیل آنکه ماهیت آنها تحلیلی تعریف نشده است؛ اما از همان اندک مقداری که هست می‌توان وجوهی از فضای ادبی آن دوره را دریافت.

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان وجوه اهمیت تذکره نویسی را چنین برشمرد:

۱. به دست دادن اطلاعات تاریخی در باب افراد و آثار؛
۲. ایجاد زمینه برای شناخت فضای اجتماعی؛
۳. فراهم آوردن بستری مناسب برای تبیین فضای ادبی.

بدان جهت که فهم جامعه شناختی از شعر مخیل دشوار می‌نماید (فتوحی، ۱۳۸۲/۴۷)، تذکره‌ها به مثابه پل‌هایی هستند که راه را برای درک و دریافت فضای ادبی و اجتماعی و به تبع آن، فهم متون ادبی هموار می‌سازد. بر این مبنا یک تذکره را می‌توان مجموعه‌ای رمزگذاری شده از اطلاعات ادبی، تاریخی، اجتماعی و... دانست که بعد از گشودن رمز آنها نتایج مطلوبی در تحقیقات هر یک از حوزه‌های مذکور به دست خواهد آمد؛ برای مثال از بررسی تذکره‌های ادبی می‌توان چنین موضوعاتی را تبیین کرد:

۱. گروه مخاطبان ادبیات در هر دوره؛
۲. سیر تطور پسندها و ناپسندهای ادبی؛
۳. نظریات ادبی موجود در هر دوره؛
۴. معیارهای زیباشناختی هر دوره؛
۵. سیر نقد ادبی؛
۶. ...

بر این اساس تذکره‌ها از مهم‌ترین منابع در تحقیقات ادبی هستند که ضروری ست اهتمام بیشتری نسبت به احیا و پژوهش بر روی آنها صورت گیرد. چنان‌که می‌دانیم بخش زیادی از این تذکره‌ها هنوز از کسوت نسخه خطی به در نیامده‌اند و اطلاعات مهمی که در آنها ست هنوز بر بخش معظمی از اهالی ادبیات پوشیده است.

گرچه با پیدایش نسل جدید تذکره نویسی یعنی «تاریخ ادبیات نگاری» تذکره‌ها اندکی در محاق افتاده اند، اما ارزش و اهمیت تذکره‌ها همچنان حفظ شده است و به‌ویژه با رویکردهای جدید و بررسی و تحلیل تذکره‌ها از منظر وجوهی که پیش از این تبیین شد - جایگاه و نقش تذکره‌ها می‌تواند بسیار پررنگ‌تر شود. افزون بر آن، پرداختن به تذکره‌های فارسی از جهات زیر ضروری می‌نماید:

۱. گسترش حوزه نظریه تاریخ ادبیات و نظریه ادبی: بالا رفتن شناخت از تذکره‌ها به‌عنوان یکی از ذخایر تاریخ ادبی - باعث می‌شود تا حوزه نظریه تاریخ ادبیات و نظریه ادبی گسترش یابد و به این صورت ظرفیت ادبیات برای طرح مباحث تازه و کاربردی افزایش می‌یابد؛

۲. عرضه نمودن تاریخ ادبیات در عرصه ی جهانی (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۸)

۳. شناخت نظریات موجود و رایج در باب ادبیات هر دوره؛

۴. شناخت گروه مخاطبان در دوره‌های مختلف؛

۵. ایجاد زمینه برای بررسی صحت مطالب مولفان و دستیابی به جایگاه علمی و ادبی آنها؛

۶. شناخت سیر تطور تفکر ادبی در دوره‌های مختلف؛

۷. شناخت اندیشه حاکم بر تذکره نویسان و سطح خواستاری و توقعات در گفتمان ادبی.

بسته به جایگاهی پژوهشگر برای تذکره نویس قائل باشد، فواید شناختی بیشتری را می‌توان لحاظ کرد.

#### ۴. تاریخ تذکره‌های فارسی

تاریخ تذکره‌های فارسی یکی از آثار مهم در حوزه تاریخ و ادبیات است. این اثر تنها تحقیق کامل و مستقل در حوزه تاریخ تذکره‌های فارسی است و قبل و بعد از آن تاکنون هیچ پژوهشی نظیر آن انتشار نیافته است. تا پیش از این تحقیق کتاب‌هایی که تاریخ ادبیان و آثارشان را شرح و بیان می‌کردند در زمره تذکره‌ها جای داشته‌اند و بعد از آن نیز اندک‌اندک تذکره نویسی جای خود را به تاریخ ادبیات نگاری داد. در هیچ یک از دو نسل مذکور اثری در باب خود تذکره‌ها و تذکره‌نویسان دیده نمی‌شود؛ مگر همین کتاب تاریخ تذکره‌های فارسی که علاوه بر اهمیت موضوعی، در دوره گذار از تذکره به تاریخ ادبیات نیز نگاشته شده است. افزون بر آن، روشمندی یکی از مشخصه‌های اصلی کتاب است که بعضی پژوهش‌ها در دنباله آن پدید آمده است. گلچین معانی درباره روش نگارش خود چنین می‌گوید:

«و اما اینکه نگارنده به فکر چنین تألیفی افتاد جز آن نبود که با بررسی دقیق و ارزیابی و نقد تذکره‌ها خرف را از گهر جدا کند و اصیل را از ناصیل بازناید تا راهنمای پژوهندگان در احوال شاعران باشد و از گمراهی و سرگرانی برهند، و در کار نقد تذکره‌ها اعم از قدیم و جدید نظری جز به اشتباهکاری گذشتگان که باعث اشتباهات معاصران شده است نبوده.» (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۱/ پنج)

علاوه بر این، گلچین معانی در مقدمه به ابعاد گوناگونی از تاریخ تذکره‌های فارسی اشاره کرده است؛ از جمله:

- داشتن ارزش کتابشناختی (همان: شش)؛

- اشتغال بر تراجم معتبر و منقول از منابع دسته‌اول عصری و تذکره‌الشعرا بودن (همان)؛

- داشتن ترتیب الفبایی (همان)؛

- داشتن فهرست سنواتی از اسامی تذکره‌ها (همان).

هم‌چنین تشریح می‌کند که «کتاب حاضر شامل دو بخش است؛ بخش یکم: تذکره‌های فارسی. بخش دوم: کتاب‌هایی که فصلی از آنها در بیان احوال شاعران است و در هر دو بخش نکات ذیل ملحوظ بوده و مذکور افتاده است:

نام کتاب، نام مؤلف، تاریخ تالیف، سبب تالیف، روش نگارش، تعداد تراجم، اسامی صاحبان تراجم (در صورتی که در فهرست‌ها منتشر نشده بوده)، مأخذ و منابع مؤلف درباره شعرای سلف، ذکر اصالت تمام یا قسمتی از هر تذکره، نظر انتقادی درباره ارزش و اعتبار هر یک، بیان دقت نظر یا سهل‌انگاری تذکره‌نویسان در گزارش احوال

شاعران با ذکر شواهدی از هر مورد، معرفی نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی ایران و سایر کشورهای جهان با ذکر شماره و مشخصات هر نسخه، شرح احوال و منتخبات اشعار و سایر تذکره‌نویسان.» (همان: پنج و شش)

اذعان به ویژگی‌های برجسته تاریخ تذکره‌های فارسی در مقدمه بدین شیوه، حکایت از وقوف گلچین معانی به بهره‌گیری از روشی مشخص و از پیش تعیین‌شده برای نگارش کتاب دارد.

ضرورت نگارش تاریخ تذکره‌های فارسی را از این وجوه می‌توان ارزیابی کرد:

۱. غنی‌شدن تاریخ ادبیات: تذکره‌ها بخش مهمی از داده‌های لازم برای تدوین تاریخ ادبیات را تشکیل می‌دهد. تاریخ تذکره‌های فارسی نیز مواد هام برای تحقیق در باب تذکره‌ها را فراهم می‌آورد و به دو طریق به غنای تاریخ ادبیات کمک می‌کند:

- طرح نظریات مستدل‌تر و علمی‌تر: تاریخ تذکره‌های فارسی علاوه بر ارائه اطلاعاتی درباره تذکره‌ها به تکمیل و تصحیح برخی نقایص آنها نیز می‌پردازد و به این صورت داده‌هایی مطمئن‌تر و موثق‌تر را برای گنجینه تاریخ ادبی فراهم می‌آورد. از دیگر سو، تاریخ ادبیات یکی از پشتوانه‌های اصلی در طرح نظریات علمی و ادبی به شمار می‌رود. به هر میزان که منابع تحقیق و داده‌های تاریخ ادبی از صحت و درستی برخوردار باشد، نظریات علمی و ادبی و نتایج حاصل از آنها نیز وجهه‌ای مستدل‌تر و علمی‌تری را به خود می‌گیرد. اصالت داده‌های حاصل از تذکره‌ها و منابع تاریخ ادبی برای طرح نظریات علمی ادبی‌ای که رویکرد کاربردی دارند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به این ترتیب تکمیل و تصحیح اطلاعات تذکره‌ها در قالب تاریخ تذکره‌ها به تکامل و ارتقای کیفی دانش ادبیات می‌انجامد.

- شناخت سیر تکامل تذکره‌نویسی: تاریخ تذکره‌ها با پرداختن به تمامی تذکره‌های فارسی بستری ست تا به‌واسطه آن، سیر تکامل سنت تذکره نویسی در طی ادوار مختلف بررسی شود.

۲. دریافت معیارهای زیباشناختی: هریک از تذکره‌نویسان با رویکردهایی که در پرداخت و تدوین تذکره‌ها داشته‌اند، معیارها و اصولی زیباشناختی را از جامعه ادبی در دوره‌های مختلف منعکس می‌کنند.

### ۵. جامعه آماری در تاریخ تذکره‌های فارسی

تاریخ تذکره‌های فارسی مشتمل است بر است بر ویژگی‌های ۵۳۷ تذکره فارسی که فراوانی آنها بر اساس سده ای که تألیف شده است چنین است:

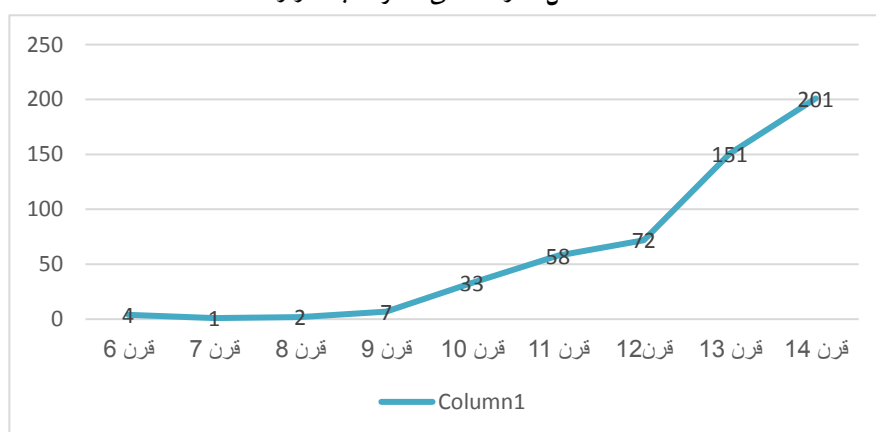
جدول ۱: تعداد تذکره‌ها در سده‌های مختلف

سده	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
فراوانی	۴	۱	۲	۷	۳۳	۵۸	۷۲	۱۵۱	۲۰۱

بر این اساس بخش مهمی از این کتاب به ذکر تذکره‌های سده‌های ۱۳ و ۱۴ اختصاص یافته است؛ البته تذکره‌های موجود از این دو سده طبعاً فراوان‌تر از سایر سده‌ها ست و بیشتر در دست مؤلف بوده است.

با اتکا به این آمار می‌توان سیر تذکره نویسی در زبان فارسی را چنین ترسیم کرد:

شکل ۱: رشد کمی تذکره‌ها با گذر زمان



تذکره نویسی از دوره صفویه به بعد گسترش چشمگیری داشت. به طوری که در سده دهم به بعد به تعداد مجموع همه تذکره‌های فارسی پیش از سده دهم تذکره نوشته شده و در دوره‌های بعد بویژه قاجاریه این سیر کماکان ادامه یافت. به طوری که از سده چهارم ۲۰۱ تذکره شناخته شده است. برخی از دلایل این سیر را می‌توان چنین برشمرد:

۱. از دوره صفویه با عمومی شدن شعر، تعداد شاعران افزوده شد و گستره مخاطبان شعر نیز بسط یافت. بدین ترتیب شعر و شاعری به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان فرهنگ توده در شکل‌گیری گفتمان اجتماعی ظاهر شد و از سوی دیگر پسندها و ناپسندهای مخاطبان تازه، خود نقشی کلیدی در جریان شعر پدید آورد.
  ۲. این موضوعات سبب شد ادیبان و تاریخ‌نویسان بتدریج نسبت به تذکره نویسی علاقه مند شوند تا هم شرح احوال و آثار ادیبان را ثبت و ضبط کنند و هم برای مخاطبان عام گلچین‌های ادبی پدید آورند.
  ۳. سیر تاریخ نویسی که از دوره تیموریه آغاز شده بود با اقبال حاکمان صفوی و قاجار مواجه شد و به همین دلیل تاریخ نویسی که یکی از اقسام آن تذکره نویسی به شمار می‌رود نیز رواج و رونق یافت.
- تذکره‌های مذکور در این اثر را می‌توان از وجوه گوناگون بررسی کرد:

۱. منطقه جغرافیایی: در تاریخ تذکره‌های فارسی به صراحت به محل تالیف و تدوین ۲۶۴ تذکره اشاره شده است. ۱۳۰ تذکره در ایران، ۱۰۱ تذکره در هند و ۳۳ تذکره در ازبکستان، عراق، ترکیه، مسکو، افغانستان و قاهره نگاشته شده است.

۱. عمومی و عصری بودن: بر مبنای دسته بندی خود گلچین معانی در مقدمه کتاب، تذکره‌ها به دو دسته عمومی و عصری تقسیم می‌شوند (گلچین معانی، ۱۳۶۳، ۱/ چهار و پنج). کیفیت آماری این دو گروه در تاریخ تذکره‌های فارسی بدین شرح است:

جدول ۲: عمومی و عصری بودن تذکره‌ها

عصری	عمومی
۴۷	۴۹۰

- چنانکه می‌دانیم، یکی از شیوه‌های دوره‌بندی در تاریخ ادبیات و البته تذکره نویسی، دوره‌بندی بر اساس سلسله‌های حکومتی بوده است. (ر.ک: فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۴۷-۱۵۱)
- از مجموع ۵۳۷ تذکره بررسی شده، در باب ۴۷ تذکره به تصریح بیان شده است که شعرا به سلسله حکومتی منتسب اند ولی درباره ۴۹۰ تذکره دیگر، ذکری از سلسله‌ای ویژه به میان نیامده است. این دوره‌های تاریخی که منتسب به سلسله‌های حکومتی هستند به این شرح اند:

اکبرشاه تا زمان تألیف. سلطان حسین میرزابایقرا تا معاصر مؤلف. عهد زندیه تا زمان تألیف. دوره غزنویه تا زمان تألیف. عهد فتحعلی شاه تا زمان تألیف. عصر منوچهری تا زمان مؤلف. زندیه تا زمان تألیف. صفویه تا زمان تألیف. عهد منوچهری تا زمان تألیف. آغاز عهد اسلامی تا دوره سلجوقیه. زندیه تا قاجاریه. عهد جهانگیر تا عالمگیر پادشاه. عهد جهانگیر تا جلوس محمدشاه. بهادر شاه تا محمد شاه. هلاکوخان تا زمان شاه اسماعیل ماضی. کیومرث تا پایان زند. زمانشاه عالم و سلاطین معاصر. شاه عباس ماضی. دوره ناصری. عهد سامانی. عهد اورنگزیب عالمگیر پادشاه. صفویه. تیموریه. قاجاریه. حکومت کرمانشاهان و کردستان

۳. مستقل و ضمنی بودن: تذکره‌های مستقل عبارت است از آثاری که صرفاً احوال و آثار شاعران را در خود جای داده اند و منظور از تذکره‌های ضمنی آثاری است که بخشی از آنها به شرح احوال و آثار ادبا شاعران اختصاص یافته و در بخش‌های دیگر آن، به اشعار و تراجم ادبا پرداخته نشده است. به هر ترتیب به نظر می‌رسد این دسته‌بندی که بر مبنای ساختار تذکره‌ها ارائه شده، در نظر گلچین معانی بسیار مهم بوده که وی اساس بخش‌بندی کتاب را به دو مجلد بر پایه آن استوار ساخته است.<sup>۳</sup> تفکیک آماری تذکره‌ها بر پایه این دسته بندی به این صورت است:

جدول ۳: مستقل و ضمنی بودن تذکره‌ها

تذکره مستقل	تذکره ضمنی
۳۱۷	۲۲۰

در این میان ۲۵۶ تذکره به ذکر تراجم شاعران و ۲۶ تذکره به ذکر تراجم شاعران و نویسندگان اختصاص یافته است. در ۲۳۴ تذکره تراجم شعرا در کنار سایر طبقات اجتماعی آمده است. بعضی از تراجم مختص سلاطین است و گویی با این توجیه که شاعر هم بوده اند، شرح احوالشان در قالب تذکره آمده است. از جمله درباره تذکره گلشن محمود که درباره احوال فتحعلیشاه قاجار و فرزندان او است. سایر طبقات اجتماعی عبارت اند از: عرفا، فضلا، علما، مشایخ، وزرا، پادشاهان، مفسران، ائمه دین، سادات، فرزندان اعیان، فقها، اولیا، رجال، نقبا، قضات، فلا سفه ارباب نغمه، مغنیان، نقاشان، مصوران، منجمان، هنرمندان، اطبا و خوش‌نویسان.

۴. اثرپذیری از مناسبات اجتماعی: خلق و تولید بعضی تذکره‌ها متأثر از وجود بعضی شخصیت‌های اجتماعی است؛ به طوری که تذکره‌نویس صریحاً این موضوع را عنوان کرده و طبعاً با انگیزه‌های مختلفی همراه بوده است. کمیت و چگونگی نمود این موضوع در تذکره‌ها به این صورت است:

جدول ۴: کمیت و کیفیت تذکره‌های اثرپذیر از مناسبات اجتماعی

عناوین	فراوانی
تقدیم شده به	۲۴
مخاطب به	۴
مصدر به	۹
به دستور	۱۶
به نام	۱۰

بر اساس وجوه بررسی شده از تذکره‌ها، وجود مراکز قدرت در بازه‌های تاریخی مختلف در روند کمی و کیفی نگارش تذکره‌ها موثر بوده است. چنانکه حمایت دستگاه گورکانیان از زبان فارسی باعث شد تا بعضی از آثار ادبی و تذکره‌ها در هند و درباره ادبای هندی و با تبعیت از گفتمان ادبی و اجتماعی آنجا پدید آید. علاوه بر این، تولید آثار ادبی و حضور شاعران در دوران حکومتی خاص، به عنوان معیاری برای انتخاب تراجم در تذکره‌ها محسوب می‌شود و به این صورت دستگاه سیاسی، نقشی محوری را در خلق تذکره‌های فارسی ایفا می‌کند. هم‌چنین وجود مراکز قدرت باعث شده تا در هر دوره، تذکره نویسان در کنار تراجم ادبا تراجم پادشاهان، وزیران، عرفا، قضات، فقها و ... را نیز ذکر کنند و حتی بخش اعظم تذکره را به ذکر تراجم آنها اختصاص دهند. نفوذ دستگاه سیاست و قدرت تا به آنجا پیش می‌رود که وجود برخی شخصیت‌های صاحب‌منصب در شکل‌دهی به تذکره‌ها و به تبع آن، کیفیت نگارش آنها اثرگذار است. به این ترتیب تاثیر گفتمان اجتماعی و تحولات سیاسی اجتماعی بر گفتمان ادبی و سنت تذکره‌نویسی روشن می‌گردد.

## ۶. دیدگاه‌های انتقادی گلچین معانی در تاریخ تذکره‌های فارسی

چنانکه پیشتر اشاره شد تاریخ تذکره‌های فارسی در دوره‌ای تألیف شد که می‌توان آن دوره گذار از تذکره به تاریخ ادبیات نامید. از آن دوره اندک‌اندک تذکره نویسی رنگ باخت و به دلیل آشنایی ادیبان با روشهای مستشرقان تاریخ ادبیات نویسی در کانون توجه آنها قرار گرفت. گرچه شمار زیادی از کتابهای تاریخ ادبیات که از آن دوره تا امروز تألیف شده اند از حیث روش شناسی در زمره همان تذکره‌ها قرار می‌گیرند اما مهم‌ترین تفاوت‌های تذکره با تاریخ ادبیات را می‌توان چنین برشمرد:

۱. در تذکره شرح احوال و گاه آثار ادیبان بیان می‌شود ولی در تاریخ ادبیات سیر تطور ادبیات از وجوه گوناگون تبیین می‌گردد.
۲. تذکره را می‌توان تاریخ ادیبان یا تاریخ آثار نامید ولی تاریخ ادبیات از تاریخ ادیبان و تاریخ آثار به مثابه ابزاری برای شرح و بیان سیر تطور ادبیات بهره می‌گیرد.
۳. تذکره معمولاً فاقد نگاه تحلیلی و انتقادی است در صورتی که یکی از ارکان مهم در تاریخ ادبیات نگاه تحلیلی و انتقادی به شمار می‌رود.
۴. تذکره معمولاً به تعبیر امروزی بدون روش علمی تدوین شده ولی تاریخ ادبیات به طوری روشمند و علمی می‌کوشد سیر دگرگونی‌ها و تحولات ادبیات را شرح و بیان می‌کند.
۵. در تذکره به عناصر فرامتنی ادبیات از قبیل شرایط و اوضاع سیاسی، فرهنگی، تاریخی و... توجه نمی‌شود اما در تاریخ ادبیات نگاری یکی از محورهای اصلی، موضوعات فرامتنی مذکور است.
۶. تذکره به ارتباط بین آثار و مباحث بینامتنی توجهی نشان نمی‌دهد اما این موضوعات و تشریح و تبیین آنها از جمله ارکان تاریخ ادبیات به شمار می‌رود.

گلچین معانی تاریخ تذکره‌های فارسی را در دههٔ چهل هجری شمسی به نگارش درآورد؛ یعنی زمانی که ادیبان و محققان ادبیات در ایران با دیدگاه‌ها و شیوه‌های تاریخ ادبیات نویسی در غرب آشنا شده بودند. این آشنایی از طریق کوشش‌های هرمان اته، یان ریپکا و ادوارد براون در نگارش تاریخ ادبیات فارسی ایجاد شده بود. گرچه در نگاه نخست تاریخ تذکره‌های فارسی نوعی تذکره می‌نماید اما چنان که خواهد آمد دیدگاه‌های انتقادی و تحلیلی گلچین معانی در این اثر چندان است که نمی‌توان آن را تذکره‌ای معمول به شمار آورد و البته از دیگر سو بدان جهت که سایر مؤلفه‌های تاریخ ادبیات را ندارد و نیز در صحت داده‌های آن هم ایرادات نسبتاً زیادی وارد است، در زمرهٔ کتاب‌های تاریخ ادبیات نیز جای نمی‌گیرد. بر این اساس می‌توان این اثر را حدفاصل بین تذکره و تاریخ ادبیات دانست که البته صغۀ تذکره بودن آن بسیار بیشتر است. در این اثر مجموعاً ۵۲۳ دیدگاه تحلیلی یا انتقادی بیان شده است که از آنها ۱۴۰ انتقاد مثبت نسبت به آثار و افراد مطرح شده و مابقی انتقادات یعنی ۳۸۳ انتقاد نکات منفی مربوط به آثار و افراد را تبیین کرده است.

دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

#### ۷. تعریف نقد

دربارهٔ چیستی مبحث نقد تعاریف بسیاری مطرح شده است. تعریفی که اکنون مدنظر است، ارزش‌گذاری<sup>۴</sup> بر اساس معیارها و ارزش‌هایی است که در حوزه‌های مختلف، متفاوت هستند. فی‌الواقع در این مقال، نقد با تکیه بر نظریات ادبی مطرح نیست. انتقاداتی که گلچین معانی در تاریخ تذکره‌های فارسی وارد کرده گاه مستقیماً متوجه افرادی است که مؤلف، کاتب، فهرست‌نویس، شاعر و مصحح بوده‌اند و گاه بدون اشاره مستقیم به افراد، انتقادات را متوجه نهاد و مؤسسه و یا آثار و نسخه‌ها گردانده است. در این کتاب در مواجهه با نقدهای ادبی موجود در تذکره‌ها، نقد نقد صورت نگرفته است. علاوه بر این، نقد کتاب و نقد ادبی متمایز از یکدیگر است. نقد کتاب ناظر به بررسی هدف نویسنده، روش او، استفاده از مراجع کافی و لازم، سازمان کتاب، زبان و سبک، خصوصیات مادی کتاب، سنجیده شدن با نوشته‌های دیگر است (پرهام و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۵۳) و از آنجا که محتوا و سبک متفاوت تالیفات، نقد و ارزیابی‌های متمایزی را موجب می‌شود، بعضی انتقادات در حوزهٔ نقد ادبی وارد می‌شود (خرم‌شاهی، همان: ۲۹). نقد ادبی عبارت است از «شناخت ارزش آثار ادبی و شرح و تفسیر آنها» (زرین‌کوب، همان: ۲۶۱)

#### ۸. دسته‌بندی انواع نقد

دیدگاه‌های انتقادی گلچین معانی و موضع هر یک از آنها به این صورت دسته‌بندی می‌شود:

الف. نقد علمی:



۱. نقد ساختاری: نقدهایی که مربوط به ساختار عینی کتاب و کیفیت چینش اجزا است. به صورت: داشتن مقدمه جامع: مصحح (۶۸۱ / ۲) (۲۸۱ / ۲)، داشتن مقدمه ممتنع: شاعر (۳۴۰ / ۱) مصحح (۵۸۹ / ۲). ناتمام بودن دیباجه: محک الشعرا نسخه کتابخانه ملک (۱۷۰ / ۲). داشتن حواشی مفصل و ممتنع: مصحح (۲۸۱، ۲۸۲ / ۲) حواشی بدون جنبه انتقادی: مصحح (۲۸۹ / ۱). تعلیقات بسیار مفید: مصحح (۸۰ / ۲) (۸۴۰ / ۲) (۸۳۹ / ۲). نداشتن حواشی و تعلیقات: مصحح (۴۱۱ / ۲). بدون فهرست: مؤلف (۳۳۹ / ۱). اشتباه در فهرست نویسی: مؤلف (۵۵۵ / ۱) (۵۰۲ / ۱) (۷۱۹ / ۱) (۴۷۱ / ۱). خطا و تقسیمات عصری و طبقاتی: مؤلف (۳۰۷ / ۲). بی دقتی در تنظیم تراجم: مؤلف (۷۴۱ / ۱). اشتباه در ذکر ترتیبات: مؤلف (۵۱۵ / ۲). بدون ترتیب: مؤلف (۳۵۹ / ۱) (۳۱۵ / ۲). داشتن ترتیب الفبایی بدون رعایت حرف دوم و سوم: مؤلف (۱ / ۶۵۰) (۱ / ۷۵۱). داشتن ترتیب الفبایی بدون ترتیب تاریخی: مؤلف (۱ / ۱۷۶). نداشتن ترتیب تاریخی: (۱ / ۱۷۶). رعایت قدمت تاریخی: مؤلف (۲ / ۷۳۰) (۱ / ۷۳۱). اشتباه در نقل ترتیب کتاب: خود گلچین شک کرده، کاتب یا مؤلف (۲ / ۶۱۵). نداشتن دیباجه و خاتمه در فهرست: لطایف الخیال نسخه کتابخانه ملک (۲ / ۹۰). حسن کار در ذکر تاریخچه برای هر قصیده و قطعه: مؤلف (۱ / ۶۸۸). مآخذ نفیس: مؤلف (۲ / ۷۳۰) (۱ / ۷۳۱) عدم وجود خارجی مآخذ ذکر شده: مؤلف (۱ / ۲۰). عدم رجوع به کتب معرفی شده بعنوان مآخذ: مؤلف (۱ / ۵۹۰). ذکر نکردن منابع: مؤلف (۲ / ۹) (۲ / ۶۱۸) (۱ / ۶۲۰) (۱ / ۶۷۰) (۱ / ۸۱) (۱ / ۸۰) (۱ / ۲۱۱) (۱ / ۲۸۱) (۲ / ۴۸۳) (۲ / ۱۴۷) (۱ / ۷۵۱) (۲ / ۳۰۷). کامل نبودن منابع: مؤلف (۱ / ۲۸۱) (۱ / ۶۱۸) (۱ / ۱۹۵) (۱ / ۱۹۶). اشتباه در کیفیت نقل منابع: مؤلف (۲ / ۶۰۷). استفاده از منابع معتبر: مؤلف (۲ / ۴۵۶) (۲ / ۴۰۴). استفاده نکردن از منابع مهم و معتبر: مؤلف (۲ / ۲۶۵). ذکر نکردن تمامی تقلیدهای صورت گرفته: مؤلف (۲ / ۵۱۴) (۲ / ۵۱۵). نپذیرفتن بر ذکر تقلیدهای صورت گرفته: مترجم (۲ / ۵۱۵). ذکر نکردن تمامی شروح: مؤلف (۲ / ۵۱۴) (۲ / ۵۱۵). نداشتن غلط نامه: مصحح (۲ / ۴۱۱). تطابق نداشتن فهرست و متن تراجم: کاتب (۲ / ۶۴۵). تطابق نداشتن عنوان و محتوای کتاب: مؤلف (۱ / ۸۰) (۱ / ۸۱) (۱ / ۱۵۰) (۱ / ۲۷۹) (۱ / ۶۶۸) (۱ / ۶۶۹) (۱ / ۶۹۷). تطابق نداشتن عنوان و محتوای ترجمه: مؤلف (۲ / ۸۴۸) (۲ / ۸۵۷) (۲ / ۸۵۸). ذکر تراجم تکراری و با اختلاف: مؤلف (۲ / ۱۷۰). انتخاب تراجم بدون معیاری خاص: مؤلف (۱ / ۶۹۷) (۲ / ۱۷۰) (۲ / ۱۷۱). انتخاب خوب اشعار: مؤلف (۱ / ۴۳۴). آوردن اشعار هزل و رکیک: مؤلف (۱ / ۱۶۹). آوردن شعر سست: مؤلف (۱ / ۳۶۴) (۱ / ۱۸۶) (۱ / ۱۵۳) (۱ / ۱۵۲). نداشتن شعر خوب: شاعر (۱ / ۶۶).

## ۹. ضبطی: همایش ملی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

نقدهایی که مربوط به کیفیت ضبط نوشته‌ها است. به صورت: مغلوپ نوشتن نام ها: مؤلف (۲ / ۱۷۰) (۲ / ۱۴۸) (۲ / ۲۶) (۲ / ۸۳) (۲ / ۱۴۶) (۲ / ۱۴۷) (۲ / ۱۴۸) (۲ / ۸۴۸) (۲ / ۸۴۷) (۲ / ۲۱۲) (۲ / ۲۱۳). کاتب (۲ / ۶). مغلوپ نوشتن تواریخ: کاتب (۱ / ۶۷۰) (۲ / ۴۶۸)، مؤلف (۲ / ۵۷۷) (۱ / ۵۳۸). مغلوپ نوشتن شعر: مترجم (۲ / ۵۰۷)، مؤلف (۱ / ۸۸) (۱ / ۹۰). مغلوپ نوشتن نام کتابها: مؤلف (۲ / ۲۶۴) (۲ / ۲۸۶) (۲ / ۳۰۷) (۲ / ۳۰۸) (۲ / ۳۹۹) (۲ / ۴۹۲) (۲ / ۴۹۳) (۲ / ۵۰۱). مغلوپ نوشتن فهرست: مؤلف (۲ / ۲۳۶). چاپ مغلوپ: مترجم (۲ / ۴۵۹)، مصحح (۲ / ۴۱۱) (۲ / ۷۴۷)، مصحح و مؤلف (۲ / ۵۰۰). انشا غلط: مؤلف (۱ / ۳۵۰). نسبتا کم غلط بودن: خلاصه التواریخ نسخه متعلق به دکتر مهدی بیانی (۲ / ۶۰۸). از دست رفتن صورت اصلی عبارات: مترجم (۲ / ۵۰۰). مؤلف (۱ / ۱۹۵) (۲ / ۸۱) (۲ / ۳۱۰). از قلم افتادن عبارات: مصحح (۲ / ۸۱)، کاتب (۱ / ۶۴۸) (۱ / ۶۴۹). داشتن سقطات با توجه به عرفات: مؤلف (۲ / ۸۰). داشتن سقطات و اختلافات در مقابله با نسخه دری: سید شاه محمد عطاء الرحمن کاکوی (۱ / ۷۲۰) (۱ / ۷۲۱) خوش خط بودن: کاتب (۲ / ۲۲۸) (۲ / ۲۲۹) (۱ / ۴۸۴) (۱ / ۶۰۰). خط پخته: مؤلف (۱ / ۳۵۲). بد خط: تذکره حسینی طبع سنگی در لکهنو (۱ / ۲۱۳).

۲. نقد محتوایی: نقدی که ناشی از ضعف یا قوت دانسته‌های افراد بوده و در باب مباحث تاریخی و ادبی مطرح شده است.

در مباحث تاریخی به صورت:

اشتباه در ذکر شرح حال: مؤلف (۱ / ۴۷۰) (۱ / ۹۱) (۱ / ۹۲) (۱ / ۵۴۴) (۱ / ۵۴۳) (۱ / ۱۰۵) (۱ / ۱۱۶) (۱ / ۱۲۳) (۱ / ۳۱۰) (۱ / ۳۲۵) (۱ / ۵۱۰) (۱ / ۶۰۳) (۱ / ۶۰۲) (۱ / ۶۱۹) (۱ / ۶۲۰) (۱ / ۶۲۱) (۱ / ۶۴۳) (۱ / ۷۱۹) (۱ / ۷۲۰) (۱ / ۷۵۲) (۱ / ۷۵۳) (۲ / ۱۸۱) (۲ / ۱۸۲) (۲ / ۵۱۱)

(۵۱۲/۲) (۵۱۶/۲) (۸۲۳/۲) (۸۵۴/۲) (۲۶/۲). صاحب فهرست تذکره کاظم (۳۲۳/۱). مصحح (۲۰۱-۲۱۳/۱). همه تذکره نویسان و محققان عصر ما (۱۵۷.۱۵۶/۱). اشتباه در ذکر زمان تألیف کتاب: مؤلف (۳۷۷/۱) (۱۵۵/۲) (۲۳۶/۲) (۶۱۹/۱) (۱۳۴/۲) (۵۱۷/۲) (۵۱۸/۲). اشتباه در ذکر زمان اتمام کتاب: مؤلف (۵۵۶/۱) (۶۸۳/۲) (۲۵/۲) (۵۱۸/۲) (۶۹۳/۲) (۳۶۳/۲). اشتباه در ذکر زمان فوت افراد: مؤلف (۹۰/۱) (۹۰/۱) (۲۷۱/۲) (۲۷۰/۱) (۲۷۱/۲) (۴۹۰/۱) (۶۳۸/۱) (۶۳۷/۱) (۶۶۸/۱) (۶۸۵/۱) (۱۴۸/۲) (۵۱۶/۲) (۲۶/۲). تکرار اشتباه در ذکر مباحث تاریخی: مؤلف (۶۶۸/۱) (۶۶۷/۱) (۵۰۸/۲). معترض نشدن به اشتباه تاریخی مؤلف: مترجم (۵۱۳/۲). اشتباه در ذکر زمان تولد مؤلف: مؤلف (۷۱۵/۲) (۷۱۴/۲). اشتباه در ذکر زمان در دست تألیف بودن: مؤلف (۲۷۱/۱) (۲۷۲/۱) از قلم انداختن وقایع: مؤلف (۶۰۷/۲). اشتباه در حساب ماده تاریخ: مؤلف (۲۸۱) (۷۰۷/۱) (۲۸۳/۲). مطالب خوب تاریخی: (۲۳۰/۲) (۲۳۱). داشتن دقت و صحت در ذکر حوادث تاریخی: مؤلف (۵۱۳/۱). بدون ارزش تاریخی و سندیت: مؤلف (۸۱۶/۲). فاقد دقائق تاریخی: مؤلف (۶۴۷/۱) (۶۴۸) (۲۹۱/۱) (۲۹۲).

در مباحث ادبی به صورت:

اشتباه در انتساب کتابها و نسخه ها: مؤلف (۲۳۹/۱) (۵۵۵/۱) (۱۵۷/۲) (۷۱۵/۲) (۳۹۹/۲) (۲۸۱/۱) (۲۸۲/۱) (۶۱۷/۱) (۶۲۰/۱) (۶۲۱/۱) (۶۲۲/۱) (۶۷/۱) (۳۷/۱) (۳۸). اشتباه در انتساب اشعار: مؤلف (۲۶/۲) (۴۱۳/۲) (۴۱۳/۲) (۴۸۱،۴۸۲/۲) (۳۹۲/۲) (۵۶۰/۱) (۵۶۱/۱) (۸۷،۸۸/۱) (۱۴۷/۱) (۱۴۸/۲) (۱۴۸/۲) (۲۱۳/۱) (۲۱۲/۱) (۲۸۱/۱) (۱۴۸/۲) (۳۰۸/۲) (۳۴۰/۱) (۶۱۱/۱) (۶۱۰/۱) (۶۲۰/۱) (۶۲۱/۱) (۶۲۱/۱) (۶۴۱/۱) (۶۶۷/۱) (۶۶۹/۱) (۶۸۶/۱) (۶۸۵/۱) (۷۱۹/۱) (۷۵۲/۱) (۷۵۳/۱). اشتباه در انتساب تخلص: مؤلف (۶۴۱/۱) (۶۴۲/۱). اشتباه در تشخیص ترتیب نسخه ها: فهرست نویسان (۵۰۲/۲). اشتباه در مرتبط دانستن دو کتاب: مجلد دهم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (۸۹/۲) (۸۸/۱). اشتباه گرفتن افراد با هم: مؤلف (۶/۲). حساب کردن کلمه شترگربه به معنای نامتناجس بعنوان یک اثر: مؤلف (۶۵۱/۱). بی نبردن به دقائق شعر: مؤلف (۵۴۶/۱). اشتباه در تشخیص مصرع و مطلع: مؤلف (۶۴۸/۱). به کار نیامدن نوشته ها درباره زندگی شعرا: مؤلف (۳۰۳/۲). یک شاعر را چند شاعر تصور کردن: مؤلف (۵۷/۱) (۱۰۵/۱) چند شاعر را یک شاعر تصور کردن: مؤلف (۶۴۳/۱).

۳. نقد زبانی: نقدی که با توجه به معیارهای دستور زبان و بلاغت مطرح شده است. به صورت:

ضعف تألیف و قواعد دستوری: مؤلف (۴۳۷/۱). زیاده روی در کاربرد مترادفات و کمک در دست خوانی نام ها: مؤلف (۶/۲). ترجمه اشتباه عبارت: مترجم (۵۱۶/۲) (۵۱۷/۱). کاربرد زیاد لغات هندی: مؤلف (۷۲۰/۱). لفاظی: مؤلف (۳۰۷/۲) (۷۴/۲) (۶۸۸/۱). اطناب: مؤلف (۲۰۵/۱) (۲۰۳/۲). تمثیل زیاد به اشعار عربی: مؤلف (۷۴/۲). داشتن جامعیت، لطافت و بلاغت: مؤلف (۱۸/۱). نثر فصیح: مؤلف (۷۵۹/۲). نثر منشیانه: (۱۷۰/۲) (۴۱۷/۲). ساده بودن و خالی از تکلفات منشیانه: مؤلف (۴۱۵/۲) ساده بودن، روان، شیرین، دلچسب و سرگرم کننده: مؤلف (۸۱۲/۲). نگارش ساده: مؤلف (۳۰۳/۲). ساختگی، پیچیده و غیرقابل استفاده بودن نثر: (۵۷۵/۲). ساده، بی تکلف و موجز بودن: مؤلف (۲/۲) (۲۵۳). نوشتن به فارسی یکدست: مؤلف (۶۸/۱). لطف کلام: شاعر (۲۹۲/۲). دارای طبیعت روان و ساده: شاعر (۱/۱) (۱۹۳).

۴. نقد اخلاقی: نقدی که با توجه به آثار، نکاتی اخلاقی در رابطه با پدیدآورندگان آنها مطرح می‌کند؛ بعضی متوجه اخلاق اجتماعی و برخی متوجه اخلاق حرفه ای ست.

داشتن مطالعات عمیق: مؤلف (۷۳۱/۲) (۷۳۰/۱). نداشتن مطالعات عمیق: مؤلف (۷۲۳/۱) (۷۱۹/۱). بی سواد: مؤلف (۸۱۶/۲). اعتماد داشتن زیاد از حد به حافظه: مؤلف (۴۸۱/۲). انتحال اثر: مؤلف (۶۱۸/۲) (۲۲۳/۱) (۲۲۴/۱) (۳۴۲/۱) (۲/۲) (۳۹۵) (۵۴۹/۲). انتحال نظر شخص: مؤلف (۱۴۸/۲). زیاده گویی خارج از وظایف تذکره نویسی: مؤلف (۵۱۳/۱). زیاده روی در مسائل شخصی و خارج از وظیفه تذکره نویسی: مؤلف (۵۴۶/۱). خارج شدن از بحث و حاشیه رفتن: مؤلف (۲۳۰/۲). اظهار بی اطلاعی از صاحبان تراجم بدون تحقیق کردن و با بی توجهی به وظایف تذکره نویسی: مؤلف (۱/۱) (۶۷۸). بی امانتی کردن خارج از وظایف تذکره نویسی: مؤلف (۶۰۳/۱) (۶۰۴). داشتن تعصبات و اغراض مذهبی در نوشته ها، ناسزا گفتن و تهمت زدن: مؤلف (۷۹۵/۲) (۷۹۶). دنبال اغراض شخصی نبودن: مؤلف (۶۲/۲). گاهی دنبال اغراض شخصی و مطالب ناروا بودن: مؤلف (۱۳۵/۲). تخطئه کردن شخص از روی غرض: مؤلف (۵۰/۲). تخطئه

کردن شعر: کنگره نویسندگان ایران (۲/۷۹۹). اظهار عقاید به صورت اهانت آمیز: مؤلف (۲/۳۷۶.۳۷۷) نقد نقد: نقد به بدآوایی وارد شده که درباره نفاثت المآثر انتقاد کرده است. انصاف نکردن در ذکر ترجمه شعرا: مؤلف (۲/۳۷۸.۳۷۹). بی ارادتی نکردن خان آرزو به واله داغستانی: مؤلف (۱/۶۶۰) نقد نقد: نقد به واله داغستانی وارد شده که گفته خان آرزو اخلاص ندارد و ترجمه او را نیاورده است. نقل دو اثر غیر مرتبط به کار تذکره نویسی به پاس دوستی با مؤلف: مؤلف (۱/۶۵۳). ثبت کردن اشعار به نام پسرش: مؤلف (۲/۲۱۱)

فحاش، هجاء و هتاک بودن: شاعر (۱/۶۶۸.۶۶۹). کم تتبع بودن: مؤلف (۱/۶۱۷). خودنمایی و خودستایی کردن: مؤلف (۲/۳۶).

۵. فرهنگی اجتماعی: این نقد با نگاهی کلان به تبیین جایگاه و ارزش اثر در عرصه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. به صورت:

ارائه شرح روشن و صریح از اوضاع روحی و فکری و فرهنگی: مؤلف (۲/۲۳۱). کم نظیر بودن از جنبه‌های سیاسی، تاریخی، جغرافیایی، طبیعی، علمی، ادبی و تراجم انتقادی رجال: مؤلف (۲/۴۵۹). منبع خوب برای شناخت تاریخ فرهنگ و اوضاع روحی آسیای وسطی: مذكر احباب نثاری (۲/۲۳۱). نمودار روشن از احوال روحی، اجتماعی، علمی و ادبی آن عصر: مذكر احباب نثاری (۲/۲۳۳). دارای جنبه تاریخی هنری ادبی، ماخذ نفیس برای مطالعات زندگانی هنری ایران: رساله قاضی احمد (۲/۷۳۰.۷۳۱). داشتن صبغه داستانی و خرافی در سخن: مؤلف (۲/۲۳۰.۲۳۱). داشتن فواید تاریخی جغرافیایی: منتخب الفصحا (۲/۳۲۲)

۶. کلیشه‌ای: این نقد با تعابیر قالبی و به صورت مختصر و کلی مطرح می‌شود و می‌توان آن را تحت تاثیر شیوه انتقاد در تذکره‌ها دانست<sup>۶</sup>. به صورت:

با ارزش بودن: بزرگان و سخنسرایان همدان (۱/۸۷) بسیار مفید با ارزش: تذکره شعرای کشمیر (۱/۲۹۲). ممتاز و بسیار مغتنم: خلاصه الکلام (۱/۶۰۰). مختصر ولی مفید و دقیق: سرو آزاد (۱/۷۰۷)

(ب) غیر علمی: اخلاقی: نقدی که در باب اخلاق اجتماعی افراد بوده و با توجه به مشاهدات شخصی گلچین معانی بیان می‌شود. به صورت:

شمین همایش ملی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹  
شایسته سپاس گزاری نکردن در رساله دکتری با وجود کمک‌های بی دریغ گلچین: محقق دکتر احمد شاه هندی (۲/۱۸۲).  
[www.anjomanfarsi.ir](http://www.anjomanfarsi.ir)

از آنجا که در ارزیابی‌های گلچین معانی آثار ادبی و غیر ادبی از هم تفکیک نشده اند برای انتقادات وی نمی‌توان مرزی را مشخص کرد که نقد ادبی از نقد غیر ادبی جدا شده باشد. ساختار نقد گلچین جز در مواردی که مستقیماً شعر یا شاعر نقد می‌شوند، صورتی درهم تنیده از نقد ادبی و نقد کتاب است.

## ۱۰. تحلیل روش نقد

جدا از سبک معمول انتقاد کردن، گلچین معانی روش‌ها و صورت‌هایی متمایز از دیگران را در طرح مباحث انتقادی بکار بسته است:

۱. مقایسه: در این روش بحث‌های انتقادی از سایر افراد و منتقدان مستقیماً نقل می‌شود بطوریکه امکان تطبیق دادن آنها با یکدیگر برای خواننده فراهم می‌شود. و در پایان نتیجه گیری به مخاطب واگذار می‌شود. (۱/۴۰۸-۴۰۹)
۲. تصحیح: در این روش یک شرح حال در کتابهای مختلف (۱/۶۵۷) و یا یک کتاب با نسخه‌های مشابه اش (۱/۷۲۰.۷۲۱) مقایسه شده و نقد و تصحیح می‌شود. هم چنین در مورد آن دسته از گزاره‌ها/ عبارات که به اشتباه ضبط شده‌اند، گاه با تطبیق دادن با نسخه دیگر و گاه با اجتهاد محقق تصحیح می‌شود.
۳. توجه به لحن: در نقد ادبی لحن برای گفتار غیر ادبی به کار می‌برند. برای ایجاد لحن و القای جنبه‌های مختلف از این امکانات بهره می‌برند. تلقین کلمات، توجه به ثبت کلامی زبان، استفاده از تأیراتی که ساختار جملات،

موسیقی کلام، آرایه‌های بیرونی و درونی و نشانه‌های تاریخی و ادبی پدید می‌آورند. (داد، ۱۳۸۳: ۴۱۴). گلچین معانی با نحوه چینش کلمات، آهنگ کلام و انتخاب کلمات لحنی انتقادی را به زبان منتقل می‌کند. (رک. ۱/ ۷۲۱) و (۱/ ۱۷۶) (۲۱۳/۱)

### ۱۱. تحلیل کیفی نقد

مباحث انتقادی گلچین معانی را می‌توان از دو طریق تحلیل کرد: اول، روش کمی که در آن با توجه به بسامد و آماری که از داده‌ها حاصل می‌شود، تحلیل و بررسی صورت می‌گیرد. دوم، روش کیفی که در آن علاوه بر شاخص آماری، معیارهایی تحت عنوان «جهت»، «شدت» و «بزرگی» نیز لحاظ می‌شوند. در کتاب تاریخ تذکره‌های فارسی ۵۲۳ موضع از دیدگاه‌های انتقادی گلچین معانی بررسی شد. نظر به مؤلفه‌های ذکر شده، تحلیل آنها به این صورت خواهد بود:

جهت: گزاره‌های ۱۴۰ نقد به شکل مثبت و ۳۸۳ نقد به شکل منفی گفته شده است.

شدت: به طور کلی بیان گلچین معانی شدت ندارد ولی در مواضعی دست شمار، کلام وی شدت پیدا کرده است. «این تذکره بسال ۱۲۹۲ در لکنو بطع سنگی بسیار مغلوط و بدخطی رسیده است بطوریکه از کثرت اغلاط بهیچ وجه قابل استفاده نیست و عدمش به ز جود است» (۲۱۳/۱) تذکره حسینی.

«ترجمه میرمحمدخان از طرف وزارت فرهنگ (سابق) بسیار مغلوط و بی قاعده.. با تصحیح و تعلیق جواد فاضل بسال ۱۳۴۰ شمسی بچاپ بسیار مغلوطی رسیده بطوریکه در تاریخ مطبوعات ایران هیچ کتابی باین رسوایی از کار در نیامده است. چیزی که در آن نمی‌توان یافت کلمه صحیح، نامه صحیح و شعر صحیح است و از حواشی و تعلیقات هم اثری در آن مشهود نیست» (۴۱۱/۲) تذکره هفت اقلیم.

بزرگی: نظرات انتقادی گاه به شکل نسبی و مقایسه بین دو یا چند اثر دیده می‌شود و بندرت نیز انتقادات در مقیاسی وسیع و بطور مطلق مطرح می‌شوند:

جامع‌ترین و معتبرترین تاریخ بیست ساله صاحبقران ثانی: پادشاهنامه عبدالحمید لاهوری (۲/ ۴۹۱)

نوشتن دقیق‌ترین شرح حال از محمود میرزا قاجار: مؤلف (۱/ ۷۳۰)

مفصل‌ترین تاریخ ادبیات: تاریخ ادبیات صفا (۲/ ۴۹۹)

آوردن شرح حال فرصت حسینی شیرازی از همه کاملتر و دقیق‌تر: نامه فرهنگستان (۲/ ۴۲۴)

مفصل‌تر و مکمل‌تر بودن مقاله تازه‌تر (مذکر احباب نثاری) نسبت به نوشته‌های قبلی: مؤلف (۲/ ۲۱۹، ۲۲۰)

دقیق‌تر، جامع‌تر و کامل‌تر بودن مطالب جلد ۵ خلاصه‌التواریخ درقیاس با جلد ۱۲ احسن‌التواریخ: (۲/ ۶۰۷)

آوردن نکات دقیق‌تر، تراجم بیشتر و بهتر درقیاس با پادشاهنامه‌های قزوینی و لاهوری: عمل صالح (۲/ ۶۸۳)

آوردن ترجمه اصیل‌تر و کامل‌تر از عبرت نایینی نسبت به تذکره مختصر شعرای کرمانشاه و کتاب ادبیات معاصر:

مدینه‌الادب (۱/ ۳۶)

مفصل‌تر آوردن ترجمه فقیر عباسی نسبت به سایرین: مؤلف (۱/ ۶۵۷)

### ۱۲. نتیجه‌گیری

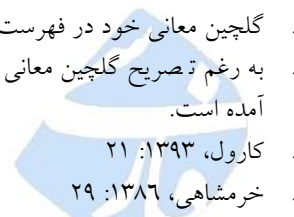
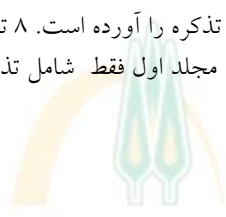
چنانکه اشاره شد تاریخ تذکره‌های فارسی حدفاصلی ست میان تذکره‌ها و تاریخ ادبیات‌هایی که به شیوه جدید و متأثر از آثار غربی نگاشته شده‌اند. گلچین معانی با داشتن انضباطی ذهنی به صورتی روشمند به دسته‌بندی اطلاعات پرداخته است؛ از آثار، افراد و نهادها با شجاعت، لحاظ نگاه علمی و ارائه شواهد انتقاد کرده است. حتی نقد هرچند به صورت بسیار محدود در این اثر راه یافته است. شاخصه انتقاد که بیشتر ذوق منتقد بود در این اثر مجذانه در شکلی علمی، مستدل و رسمی بازتاب یافته است.

با قبول این گزاره که سیر تطور مقوله تذکره نهایتاً در تاریخ ادبیات نویسی بازتاب می‌یابد، برای طرح روشی بومی در تاریخ ادبیات نویسی مبتنی بر مطالعه موردی روش تاریخ تذکره‌های فارسی، شاخصه‌های ذیل برای لحاظ در آثار بعدی پیشنهاد می‌شود:

- اهتمام و تمرکز بیشتر در ارائه نقد نقد به شکل علمی و مستدل؛
- بررسی متمرکزتر و محدودتر آثار مکتوب و نگارش تاریخ آثار ادبی؛
- اهتمام بیشتر بر زدودن ابهام و گمراهی در شیوه بیان مباحث که کثرت تقسیم بندی‌ها یکی از عوامل آن است؛
- تحدید و تخصصی‌تر شدن حوزه مطالعات تاریخ ادبی به منظور بررسی ویژگی‌های شاخص آثار با قوت بیشتر؛
- تمرکز بر اشتباهات پژوهش‌ها و رفع نواقص آنها و دادن پیشنهادهایی برای ممانعت از بروز خطا در داوری‌ها، انتقادات، تحلیل‌ها و طرح مباحث.

#### پی نوشت

۱. طاهری، ۱۳۹۵: ۱.
۲. گلچین معانی خود در فهرست مطالب ۵۲۹ تذکره را آورده است. ۸ تذکره از فهرست مطالب فوت شده است.
۳. به رغم تصریح گلچین معانی بدین نکته که مجلد اول فقط شامل تذکره‌های مستقل است، ۲۲ تذکره ضمنی نیز در این جلد آمده است.
۴. کارول، ۱۳۹۳: ۲۱
۵. خرمشاهی، ۱۳۸۶: ۲۹
۶. ر.ک: امامی، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۳



انجمن علمی زبان ادبی فارسی  
باشکادزیت سیر  
پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

#### منابع

- امامی، نصرالله؛ «دیدگاه‌های انتقادی بدیع الزمان فروزانفر در سخن و سخنوران»، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱، ۱۳۸۸؛ صص ۱۶-۱.
- \_\_\_\_\_ مبانی و روشهای نقد ادبی، تهران: جامی، ۱۳۹۳. [www.anjumanfarsi.ir](http://www.anjumanfarsi.ir)
- خرمشاهی، بهاءالدین؛ *نقد و نقد کتاب*، تهران: خانه کتاب، صص ۱۳-۳۶، ۱۳۸۶.
- سیروس، پرهام؛ محمدعلی، جزایری؛ رضا، آراسته؛ *شیوه انتقاد کتاب* از مجموعه نقد و نقد کتاب به کوشش بهاءالدین خرمشاهی، تهران: خانه کتاب، صص ۲۴۷-۲۶۰، ۱۳۸۶.
- داد، سیما؛ *فرهنگ اصطلاحات ادبی: واژه‌نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی*، تهران: مروارید، ۱۳۸۳.
- زرین کوب، عبدالحسین؛ *نقد ادبی*، ج ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- شفیعیون، سعید؛ «گذری دیگرگون بر تذکره‌های ادبی»، سال ششم، شماره ۲، صص ۸۵-۱۰۴، ۱۳۹۳.
- صفا، ذبیح الله؛ *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: فردوس، ۱۳۶۹.
- طاهری، قدرت الله؛ *مبانی و اصول پژوهش در زبان و ادبیات فارسی*، تهران: علمی، ۱۳۹۵.
- فتوحی، محمود؛ «بررسی و نقد تاریخ ادبیات نویسی در ایران»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۶۸، صص ۴۹-۳۲، ۱۳۸۲.
- \_\_\_\_\_؛ *نظریه تاریخ ادبیات: با بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ایران*، تهران: سخن، ۱۳۸۷.
- کارول، نوئل؛ *درباره نقد*. ترجمه صالح طباطبایی، تهران: نی، ۱۳۹۳.
- گلچین معانی، احمد؛ *تاریخ تذکره‌های فارسی*، تهران: سنایی، ۱۳۶۳.